



۲ تیر ۱۳۸۵

شماره ۳۴

سردبیر: بابک شدیدی

بیاد جان باختگان خرداد شصت و فرمانده قلعه شکستخوردگان	میتینگ اعتراضی در مرکز شهر فرانکفورت	مرتضوی یک قاتل است، سعید مرتضوی باید فوراً دستگیر شود
منصور تر کاشوند	در اعتراض به حمله وحشیانه حکومت به زنان در ۲۲ خرداد	دستگیر شود
صفحه ۸	صفحه ۲	صفحه ۳



صفحه ۳

به این عکس نگاه کنید! این زنی است که در آستانه اعدام است!

اعظم فریاد قره شیران، در سن ۱۵ سالگی مجبور به ازدواج با مردی میشود که علاقه ای به او نداشته است. همسر او معتاد و مردی پرخاشگر بوده که اعظم را تحت فشار گذاشته و برای تهیه پول وادارش میکند که در خانه خودشان بساط عیش و نوش راه انداخته و برای تهیه پول تن فروشی کند. اعظم به این

ده روز در کانادا و امریکا ، برای نجات جان نازنین



مینا احدی و نازنین افشین جم ، هفته پرکاری را پشت سر گذاشتند، در یک هفته گذشته، در اوتاوا و نیویورک چندین ملاقات و مذاکره در مورد نازنین فاتحی و سایر محکومین به اعدام در ایران داشته و در جریان این سفر طومار اعتراض به حکم اعدام نازنین ۱۸ ساله را که شامل امضا بیش از ۱۷۰ هزار نفر بود، به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تحویل دادند.

کمپین نجات جان نازنین یکی از موفقترین و گسترده ترین کمپین ها در اعتراض به قتل عمد دولتی در دنیا، است. این کمپین که با همکاری فشرده و فعالیت های شبانه روزی نازنین افشین جم ملکه زیبایی

صفحه ۶

دلارا دارابی یکبار دیگر در یک قدمی مرگ



جمهوری جنایت اسلامی با قتل کودکان و نوجوانان ، در جامعه وحشت ایجاد میکند. در مقابل این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی به پا خیزید! دلارا دارابی نقاش، هنرمند و پیانیست

صفحه ۳

اطلاعیه شماره ۲
کمیته بین المللی علیه اعدام

مرتضوی جنایتکار باید فوراً دستگیر شود!

اقدامات جهانی برای محکومیت حضور مرتضوی و هیئت جمهوری اسلامی ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل

صفحه ۴

حکم اعدام نازنین لغو شد.

رسیدگی مجدد به پرونده به عهده دادگاه دیگری گذاشته شد. یکبار دیگر حکومت اسلامی در مقابل اعتراضات جهانی زانو زد! کمپین نجات نازنین ادامه دارد

صفحه ۵

آخرین اخبار اعدام در ایران

صفحه ۱۰

اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

میتینگ اعتراضی در مرکز شهر فرانکفورت در اعتراض به حشیانه حکومت به زنان در ۲۲ خرداد، در اعتراض به احکام اعدام در ایران



مسائل حول و حوش آن جلب شده است. از جمله توافق امنیتی دولت آلمان و ایران، برای جلوگیری از تظاهرات مخالفین اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین پخش تی شرت از سوی حکومت با عکس خمینی و کمک فاشیستها و نئونازیهای آلمانی به جمهوری اسلامی ایران و به تن کردن این تی شرتها از طرف چند نفر نئو نازیست آلمانی، حرف زد و گفت دولت ایران و حکومت هیتلر در موارد زیادی به هم شبیه هستند و بیخود نیست که امروز جمهوری اسلامی به عکس فاشیستها پول میدهد تا حکومت اسلامی یعنی خمینی را با خود حمل کنند.

سپس مینا احدی در مورد تظاهرات زنان و مردم در تهران و حمله اراندل و اوباش حکومتی به آنها حرف زد و این رفتار وحشیانه را محکوم کرد و در بخش دیگری از سخنان خود به کیس نازنین فاتحی و کمپین گسترده علیه این حکم اعدام پرداخته و از همگان دعوت کرد به این کمپین کمک کنند. مجری

رسانه های متعددی از این میتینگ خبر و گزارش تهیه کردند. ساعت یک بعد از ظهر روز جمعه با حضور چندین شبکه خبری در محل، میتینگ رسماً آغاز شد. در آغاز مینا احدی با اخوشامد گفتن به حاضرین، به زبان آلمانی سخنرانی کرد و اعلام کرد که همزمان با برگزاری مسابقه فوتبال تیم ایران، توجه ها به سوی این مسابقات و

روز جمعه ۱۶ ژوئن به دعوت کمیته بین المللی علیه سنگسار، تشکل هاتون را فراموش نکنید و سازمان تره ده فام، بزرگترین سازمان مدافع حقوق زن در آلمان، میتینگ اعتراضی بزرگی در مرکز شهر فرانکفورت آلمان برگزار شد. چادر و میز اطلاعاتی سازمانهای فراخوان دهنده، مورد استقبال گسترده ای قرار گرفت و مطبوعات و

در ایران حرف میزد. در طول این میتینگ صدها نسخه اطلاعیه در بین حاضرین توزیع شد و با چندین شبکه خبری مصاحبه هایی انجام گرفت. گزارش این میتینگ از تلویزیون استان هسن و همچنین رادیو فردا پخش شد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار

مجری معروف تلویزیون آلمان، فریدمن، نیز در آغاز در محل حاضر شده و به انجام دادن مصاحبه هایی با رسانه ها مشغول بود. سپس در این میتینگ شهناز مرتب به سخنرانی و اعلام اینکه هدف این میتینگ چیست پرداخته و بطور مداوم در مورد نازنین فاتحی و جنبش علیه اعدام

سر دبیر نشریه علیه اعدام

بابک شدیددی

تلفن: 0046733684151

ای میل:

babakshadidi@yahoo.com

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام

مینا احدی

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ای میل:

minaahadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net



سعید مرتضوی باید فوراً دستگیر شود!

حضور سعید مرتضوی به عنوان یکی از اعضا هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به اولین نشست شورای تازه تاسیس حقوق بشر سازمان ملل، یک افتضاح سیاسی است



دستگیری فوری مرتضوی در سوئیس شد. مینا احدی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام با پارلمان کانادا و برخی از نهادهای مدافع حقوق انسانی تماس گرفته و خواهان اقدام فوری برای دستگیری و محاکمه مرتضوی در یک دادگاه بین المللی شد.

کمیته علیه اعدام از همگان دعوت میکند در این امر مهم ما را یاری کند

کمیته بین المللی علیه اعدام

نامش با ترور و شکنجه و اعدام عجین شده است، موجی از اعتراض را در سطح سازمانهای مدافع حقوق انسانی دامن زده است. فقط یک قلم از جنایات مرتضوی اینست که وی در قتل زهرا کاظمی ژورنالیست شهروند ایرانی- کانادایی مستقیماً نقش داشته و به عنوان قاتل زهرا کاظمی از وی نام برده میشود

بین المللی علیه اعدام به محض اطلاع از حضور هیئت جمهوری اسلامی و مرتضوی جنایتکار در سوئیس، خواهان

حقوق بشر را بجای نهاد قبلی نشانده است. در اجلاس افتتاح این شورا، نمایندگان بیش از صد کشور جهان حضور دارند. از ایران نیز هیئتی سه نفره که قاضی مرتضوی یکی از اعضا آنست در این اجلاس حضور دارند.

حضور هیئتی از جمهوری اسلامی ایران و جلادان حرفه ای و جانپانی که مستقیماً در قتل و کشتار و شکنجه و سنگسار و اعدام دست دارند، یک افتضاح سیاسی برای این شورای تازه تاسیس است.

بویژه حضور قاضی مرتضوی که

امروز دوشنبه ۱۹ ماه ژوئن، شورای حقوق بشر سازمان ملل افتتاح شد. کمیسیون قبلی حقوق بشر سازمان ملل، بدلیل بی تحرکی و فساد اداری، بدلیل ممانعت و لب فرو بستن در مقابل نقض سیستماتیک و وحشیانه حقوق بشر در بسیاری از کشورهای دنیا، مورد اعتراض و انتقادات گسترده بین المللی بود. ظاهراً سازمان ملل برای آبرو خریدن و مقابله با این اعتراضات وسیع، سازمان خود را تغییر داده و اکنون شورای حقوق

از صفحه ۱

دلارا دارابی یکبار دیگر در یک قدمی مرگ

ایرانی که اکنون ۱۹ سال دارد، یکبار دیگر امروز در دادگاه حضور یافت و حکم اعدام وی تایید شد.

پنجشنبه ۱۵ ژوئن، روز اعلام حکم مجدد دلارا بود. از دو سال قبل، نبردی گسترده برای نجات دلارا در جریان است. او در جریان یک سرقت در منزل یک نفر و قتل صاحبخانه دستگیر و بهمین جرم یعنی قتل یک نفر، به اعدام محکوم

شده است. زمان اعلام حکم اعدام دلارا فقط ۱۷ سال داشت. بدنبال اعلام حکم اعدام بر علیه وی و اعتراضات گسترده جهانی، جمهوری جنایت اسلامی عقب نشسته و در دادگاه تجدیدنظر، پنج ماه قبل حکم اعدام را لغو و بررسی مجدد پرونده را اعلام کرد. امروز دادگاه حکومت اسلامی، حکم اعدام را مجدداً تایید کرد و دلارای جوان در آستانه اعدام قرار گرفت.

دلارا ۱۷ ساله بود که به همراه دوست پسرش در جریان یک سرقت از خانه یکی از اقوام دلارا،

با زن صاحبخانه که مقاومت میکرد، درگیر شده و او را به قتل رساندند. دلارا میگوید که دوستش به او گفته اگر قتل را به عهده بگیرد، چون ۱۷ ساله است و جزو اقوام مقتول، او اعدام نمیشود. دلارا میگوید که بیگناه است.

جمهوری اسلامی ایران که از حربه قتل عمد دولتی استفاده میکند و جزو معدود دولتهایی است که هنوز کودکان و نوجوانان را اعدام میکند، یکبار دیگر با سببیت تمام بر حکم اعدام دلارا مهر تایید گذاشت. جمهوری جنایت اسلامی که از قتل عمد دولتی برای ایجاد وحشت در

جامعه استفاده میکند، اکنون یکبار دیگر دلارای جوان را به اعدام محکوم کرده است. خبر حکم اعدام دلارا با موجی از اعتراضات جهانی روبرو شده است. سازمان عفو بین الملل به این حکم اعتراض کرده و تا کنون نهادهای متعددی به این حکم اعتراض کرده اند. کمیته بین المللی علیه اعدام، با اعلام یک مجموعه فعالیتها جهانی، و تماس گرفتن با کمیسیونهای حقوق بشر در پارلمان اروپا خواهان اعتراض فوری به

صفحه ۵

مخالفین اعدام و شما فعالین جنبش علیه اعدام نجات یافتند. کمک کنید اعظم فریاد قره شیران را نیز نجات دهیم. به کمپین نجات اعظم ببینید!

کمیته بین المللی علیه اعدام

20060601

تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند برای نجات جان این زن اقدام کنند. ما تا کنون جان بسیاری از محکومین به اعدام را نجات داده ایم. ولی الله فیض مهدوی و فاطمه حقیقت پژوه و نازنین ۱۸ ساله از آخرین نمونه های محکومین به اعدام هستند که به همت تلاشهای بی وقفه شما

رسانده است. در حالیکه تا امروز جسد همسر وی پیدا نشده است. اعظم متهم است که به مردی بنام عباس کمک کرده که همسرش را به قتل برساند. عباس متهم اول پرونده با پرداخت دیه آزاد شده و اعظم که در پرونده گفته شده دست قاتل اصلی را فشار داده تا همسرش به قتل برسد، در آستانه اعدام است.

از صفحه ۱

شرایط غیر قابل توصیف، تن داده برای اینکه تقاضای طلاش دو بار رد شده بود.

اما وقتی همسرش، دختر ۹ ساله او را نیز تحت فشار میگذارد که به تن فروشی رو آورد، اعظم تاب تحمل نیاورده و ادعا میشود که همسرش را به قتل

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

از صفحه ۱

مرتضوی جنایتکار باید فوراً دستگیر شود!

پنجشنبه ۲۲ ژوئن قرار است، مرتضوی جنایتکار، در شورای حقوق بشر سازمان ملل سخنرانی کند. در اعتراض به حضور هیئتی از سوی جمهوری جنایت اسلامی در این کنفرانس و بویژه حضور چهره منفور و جلاد شناخته شده زندانهای مرتضوی میتینگ اسلامی، اعتراضی در روز پنجشنبه در مقابل ساختمان سازمان ملل در شهر ژنو سازمان داده شده است. کمیته بین المللی علیه اعدام، از این میتینگ اعتراضی که از سوی حزب کمونیست کارگری ایران فراخوان داده شده، حمایت میکند و همزمان با این میتینگ از ساعت ۱۲ ظهر در مقابل ساختمان شورای حقوق بشر سازمان ملل، یک کنفرانس مطبوعاتی نیز فراخوان داده است. اطلاعیه این کنفرانس تا کنون برای همه شبکه های خبری در کشور سوئیس ارسال شده است.

همچنین در طول دو روز گذشته، مینا احدی با تماس گرفتن با نهادهای متعددی در سوئیس و کانادا و اروپا به حضور هیئت جمهوری اسلامی ایران در ژنو اعتراض کرده است.

تماس با سازمان عفو بین الملل در سوئیس

کمیته علیه اعدام با مسئولین عفو بین الملل در سوئیس تماس گرفته و ضمن دادن اطلاعات مفصل در مورد مرتضوی و هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ژنو، به این امر اعتراض کرده و از عفو بین الملل خواست که به این اقتضاح سیاسی عکس العمل نشان دهد. اطلاعیه کنفرانس مطبوعاتی برای عفو بین الملل ارسال شده و آنها طی یک نامه به کمیته علیه اعدام اعلام کردند که اطلاعیه را برای مطبوعات سوئیس ارسال کردند.

تماس با نمایندگان پارلمان کانادا

مینا احدی در طی سفر اخیر خود به اوتاوا و ملاقات با چندین نماینده پارلمان، بطور مشخص از عملکرد دولت کانادا در مورد قتل زهرا کاظمی انتقاداتی را مطرح کرده بود. اکنون با حضور قاتلین زهرا کاظمی در سوئیس، با تعدادی از این نمایندگان تماس گرفته و نسبت به دستگیری فوری مرتضوی به آنها گفت که دولت کانادا باید درخواست دستگیری این جنایتکار حرفه ای را بدهد. و تاکید بر اینکه مرتضوی باید دستگیر شود. تا کنون فقط گفته شده است که وزیر دادگستری کانادا رسماً به حضور مرتضوی در شورای حقوق بشر سازمان ملل اعتراض خواهد کرد. دولتهای غربی و کانادا، که نگران روابط سیاسی و اقتصادی گسترده خود با ایران هستند، بز دلانه در مورد دستگیری این جنایتکار حرفه ای، با تردید و دودلی رفتار میکنند.

تماس با سازمان جهانی علیه شکنجه در شهر ژنو

سازمان جهانی علیه شکنجه که یک نهاد بین المللی است، در جریان حضور هیئت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و اطلاعیه کنفرانس مطبوعاتی برای این نهاد مهم ارسال شد، مینا احدی طی یک گفتگوی تلفنی مفصل در مورد سابقه جنایات مرتضوی و نفرت مردم ایران از این چهره جنایتکار با مسئولین این سازمان صحبت کرده و از آنها درخواست کرد رسماً به این امر اعتراض کنند.

رفتار جامعه بین المللی، سازمان ملل و دولتهای غربی در مورد حضور قاتلین حرفه ای، دستور دهندگان سنگسار و اعدامهای گسترده در ایران و مماشات با این چهره جنایت و ترور و وحشت اسلامی، یک لکه ننگ و سیاه دیگر در تاریخ این دولتهاست.

کمیته علیه اعدام یکبار دیگر از همگان دعوت میکند به این واقعه سیاسی عکس العمل نشان دهند. برای دستگیری مرتضوی به دولت سوئیس فشار بیاورید. به حضور مرتضوی و کریمی راد در کنفرانس حقوق بشر اعتراض کنید. در میتینگ اعتراضی روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن در مقابل ساختمان سازمان ملل شرکت کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۱ ژوئن ۲۰۰۶**مصاحبه شهناز مرتب با رادیو فردا**

شامگاه جمعه تظاهراتی در شهر فرانکفورت در پشتیبانی از تظاهرات زنان در ایران برگزار شد. خانم شهناز مرتب از سخنرانان این گردهمایی در مصاحبه با رادیو فردا می گوید: ما از مبارزه زنان در ایران دفاع می کنیم. زنان در ایران از پا نمی نشینند و مبارزه شان را علیه قوانین ضد زن به پیش می برند. خانم مرتب می گوید با نوشتن نامه هایی به اتحادیه اروپا و مقامهای دولتی آلمان دستگیری های فعالان را منعکس کرده اند و منتظر نامه های حمایت از شخصیت های سیاسی اروپایی هستند

www.radiofarda.com

از صفحه ۱

مرتضوی یک قاتل است، او را دستگیر کنید!

پنجشنبه در میتینگ حزب کمونیست کارگری در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو شرکت کنید
روز دوشنبه ۱۹ ژوئن، شورای حقوق بشر سازمان ملل طی مراسمی در ژنو با حضور هیئت های نمایندگی دولتهای یکصد کشور جهان آغاز بکار کرد. این شورا مدعی است کمبودهای نهاد قبلی یعنی "کمیسیون حقوق بشر

اختناق رژیم اسلامی و سرکوب مخالفین نقش کلیدی ایفا کرده است. این دو نفر فوراً و بدون اما و اگر باید دستگیر شوند. نمایندگان رژیم اسلامی نباید در هیچ نهاد بین المللی حق حضور داشته باشند.

قاضی مرتضوی و همراهانش به جرم جنایات بی شمار علیه مردم، به جرم شکنجه و قتل زهرا کاظمی، به جرم شرکت مستقیم در سنگسارها و اعدامها و دستگیری

مردم ایران و کشتار پی در پی مخالفین، سرکوب روزمره مردم و نقض خشن حقوق بشر شریک هستند، در این کنفرانس چکار میکنند؟ قوه قضائیه رژیم اسلامی نهاد رسمی "قضاوت اسلامی" است که یک قلم پرونده آن قتل عام بیش از صد هزار نفر در طول حاکمیت این رژیم جنایتکار است. قاضی مرتضوی یک چهره منفور این دستگاه وحشت رژیم است که مستقیماً در شکنجه و قتل زهرا کاظمی، در سازماندهی خشونت علیه زنان و به شلاق بستن جوانان در خیابانها، در تنگ کردن حلقه

سازمان ملل" را ندارد، کشورهای ناقض حقوق بشر را به عضویت خود در نمی آورد و برای گسترش حقوق بشر در جهان تلاش میکند. اما در مراسم افتتاح آن قاضی مرتضوی دادستان کل تهران و کریمی راد سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی حضور دارند! در همین قدم اول، حضور جنایتکاران جمهوری اسلامی در این اجلاس یک اقتضاح سیاسی برای سازمان ملل و نهادهای آن میباشد. سوال اینست؛ نمایندگان رژیمی که ۲۷ است در تروریزه کردن زندگی

از صفحه ۱

حکم اعدام نازنین لغو شد

روز چهارشنبه ۳۱ ماه مه، روزنامه مشهور چاپ ایران، از لغو حکم اعدام نازنین خبر داد و اعلام کرد که این حکم را حکومت اسلامی لغو کرده است. کمیته علیه اعدام طی تماس و پیگیری این خبر، صحت این خبر را تأیید میکند و اعلام میکند که پرونده نازنین برلی رسیدگی مجدد به یک دادگاه دیگر ارجاع شده است. با اعلام رسیدگی مجدد به پرونده، راه برلی طولانی کردن پروسه رسیدگی به پرونده و یا تصمیم گیری مجدد در این مورد باز است. به این دلیل کمپین نجات نازنین ادامه خواهد یافت. تا اعلام قطعی لغو حکم اعدام نازنین. نازنین فقط ۱۸ سال دارد. در سن ۱۸ سالگی، چند ماهی را با کابوس اعدام و طناب دار در زندان بسر برده و چهره کربه نظام و زن ستیزی و انسان ستیزی حکومتی را تجربه کرده است. دختر جوانی که در مقابل تعرض چند مرد به او و همراهش، از خود دفاع کرده و در جریان این کار، متأسفانه باعث مرگ یک نفر شده است، ماهها است در زندان مخوف رجایی شهر اسیر دست جلازان است و هر لحظه از وحشت طناب دار بر خود می‌لرزد. او همین دیروز قبل از شنیدن نتیجه دادگاهش، گفته بود، احساس میکنم طناب دار بر گردنم آویزان است و از این فکر می‌لرزم. من میترسم! آیا این یک جمله کافی نیست تا به صورت جانی حاکم بر ایران تف انداخت؟ زندانی کردن جوانان و نوجوانان و صلور

مقام حکم اعدام بر علیه آنها، باید در سراسر جهان موجی از اعتراض و نفرت را دامن بزند. کمیته علیه اعدام برای نجات جان محکومین به اعدام در ایران به یک جنبش اعتراضی گسترده در ایران و در دنیا تکیه کرده و تا کنون جان تعداد زیادی را نجات داده است.

اگر نازنین نجات می یابد و اگر دلارا درایی از اعدام نجات می یابد و اگر کبرا وشهلا و فاطمه و نعمت و فیض مهدوی نجات می یابند، اینها همه نتیجه تأثیرات همین جنبش است.

برای نجات جان نازنین ۱۸ ساله یک کمپین قدرتمند جهانی به راه افتاده است. که تا کنون بیش از ۱۶۰ هزار نفر طومار اعتراضی را امضا کرده اند.

نازنین افشین جم در کانادا مبتکر کمپین مهمی است که در دنیا با موجی از سمپاتی و همیاری رویور شده و میلیونها نفر را در جریان این حکم اعدام قرار داده و اعتراضات گسترده ای را باعث شده است.

این کمپین با همکاری مستقیم کمیته علیه اعدام به پیش برده میشود. همه ارتباطات با ایران، با زندان و با خانواده و اطرافیان نازنین و تصمیم گیری در مورد سیاستهای پیش رو در این کمپین و همچنین راههای پیشبرد کمپین با همکاری و مشاورت لحظه به لحظه با فعالین کمیته علیه اعدام به پیش برده میشود.

این کمپین جهانی مهم است و بهمین دلیل برای طرح مجدد نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران و اعتراض به اعدامهای گسترده در ایران، روزهای ۵ و ۶ ژوئن مینا اخلی و نازنین افشین

جم با احزاب پارلمانی و اپوزیسیون در کانادا ملاقات کرده و در پارلمان کانادا سخنرانی خواهند کرد. همچنین قرار است روز ۸ ژوئن در نیویورک با هیئتی از سازمان ملل و از جمله مسئول زنان سازمان ملل ملاقات کنند.

ما کمپین نجات نازنین را تا لغو قطعی حکم اعدام و آزادی نازنین به پیش خواهیم برد. در این کمپین مهم به ما یاری کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱ ژوئن ۲۰۰۶

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

**دلارا درایی یکبار دیگر در یک قدمی مرگ**

این حکم شده است.

همزمان ما اطلاع یافتیم که حکومت اسلامی نازنین فاتحی ۱۸ ساله، را در زندان رجایی شهر به انفرادی برده و امکان هیچ رابطه ای با بیرون از زندان را به وی نمیدهد.

اکنون دو هفته است که نازنین هیچ ملاقاتی با خانواده اش نداشته و حکومت او را تحت فشار زیادی قرار داده است.

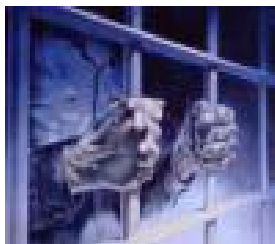
کمیته علیه اعدام ضمن محکوم کردن شدید این رفتار وحشیانه حکومت اسلامی اعلام میکند که اعتراض به حکومت اسلامی را باید گسترش داد و باید کاری کرد که حکومت مجبور شود این احکام وحشیانه را ملغی کند. به اعدام جوانان و نوجوانان در ایران وسیعا اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۵ ژوئن ۲۰۰۶

تلفن تماس:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

<http://www.adpi.net>

ژنو، و همزمان با سخنرانی قاضی مرتضوی، روز پنجشنبه از ساعت ۱۱ تا ۳ بعد از ظهر میتینگ در مقابل محل این اجلاس سازمان داده است. حزب کمونیست کارگری همه مخالفین جمهوری اسلامی، همه شاکیان از جمهوری اسلامی و شاکیان از قاضی مرتضوی و جمال کریمی را در به شرکت فعال و گسترده در این میتینگ فرامیخواند!

تشکیلات خارج کشور حزب**کمونیست کارگری ایران****۳۰ خرداد ۱۳۸۵، ۲۰ ژوئن****۲۰۰۶**

ها، به جرم دست داشتن در دستگیری و محاکمه کارگران شرکت واحد، به جرم سرکوب مردم و تنگ کردن حلقه اختناق و توقیف بسیاری از روزنامه های مجاز داخل کشور، باید دستگیر و محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری در اعتراض به حضور قاضی مرتضوی و همراهانش در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل در

از صفحه ۱

ده روز در کانادا و امریکا ، برای نجات جان نازنین

کانادا در سال ۲۰۰۳ و همچنین کمیته بین المللی علیه اعدام به پیش برده میشود، تا کنون توجه های زیادی را در دنیا بخود جلب کرده است.

امضا ۱۷۰۰۰۰ نفر از سراسر دنیا و همچنین نکات جالبی که بهمراه امضاها نوشته و برای مسئولین کمپین ارسال میکنند، بیانگر علاقه عظیم مردم برای مقابله با اعدام و نجات جان نازنین ۱۸ ساله و در عین حال نفرت آنها از احکام اعدام و نفرت از حکومت اسلامی ایران است.

این کمپین باعث شده یکبار دیگر نگاهها به سوی ایران و بسوی نقض وحشیانه حقوق انسانی در این کشور بچرخد.

در جریان این کمپین مینا احدی و نازنین افشین جم، مصاحبه های مطبوعاتی متعددی داشته و میلیونها نفر را در دنیا در جریان این واقعه قرار داده اند.

روز دوشنبه پنج ماه ژوئن نازنین افشین جم و مینا احدی در دو روز برنامه کاری فشرده در شهر اوتاوا در کانادا با نمایندگان پارلمان ملاقات کرده و در جلسه پارلمان کانادا حضور یافتند و همچنین در یک کنفرانس مطبوعاتی در محل پارلمان حاضر شده و در مورد حکم اعدام نازنین صحبت کرده و به سوالات پاسخ دادند.

همچنین در روز ۸ ژوئن مینا احدی و نازنین افشین جم در شهر نیویورک و در محل سازمان ملل، به ملاقات معاون اول کوفی عنان رفته و با او مذاکره یک ساعته ای داشتند و سپس نمایندگان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را در محل سازمان ملل در نیویورک ملاقات کرده و امضاهای ۱۷۰۰۰۰ را در اختیار این نهاد قرار دادند. سپس با نماینده سازمانهای غیر دولتی در سازمان ملل ملاقات کرده و در مورد اعتراض به حکم اعدام نازنین و احکام اعدام در ایران با آنها گفتگو کردند. در اینجا گزارش کوتاهی از این سفر را به اطلاع



عموم میرسانیم:

دوشنبه ۵ ژوئن اولین روز ملاقاتها

ملاقات با نمایندگان پارلمان کانادا

اولین ملاقات در این روز با معاون پارلمان کانادا رویال گالیپو بود. در این ملاقات که ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه بود، در ابتدا در مورد نازنین فاتحی و حکم اعدام وی صحبت شد و فعالیتهایی که کمیته علیه اعدام و نازنین افشین جم در این مورد انجام داده اند. در زهرا کاظمی در ایران و عدم اعتراض جدی دولت کانادا در این مورد و شکست دولت کانادا در پروسه رسیدگی به این قتل صحبت کرده و خواهان اعمال فشار دیپلماتیک و اعتراض جدی تر به حکومت اسلامی در مورد احکام فزاینده اعدامها در ایران و همچنین حکم اعدام بر علیه نوجوانان و نازنین فاتحی شد.

روز سه شنبه در ابتدا نازنین افشین جم و مینا احدی با سه نفر از نمایندگان پارلمان کانادا گفتگو کرده و یکبار دیگر به ضرورت اعتراض جدی و رسمی به حکومت اسلامی در مورد حکم اعدام نازنین فاتحی تاکید کردند. در این نشست از جمله سناتور هونورابل رود آ تسیر و بلندا استراناک حضور داشتند.

در ادامه ، نشست با یکی از نمایندگان حزب سوسیال دمکرات داشته و با وی نیز گفتگو انجام شد.

ساعت ۲ بعد از ظهر در جلسه مجلس ، در بخش سوالات از دولت، مینا احدی و نازنین افشین جم نیز حضور داشته و در مورد فعالیتهای و یا برنامه دولت کانادا در اعتراض به احکام فزاینده اعدام و همچنین حکم اعدام نازنین جوان از سوی بلیندا استراناک

از دولت سوال شد. نخست وزیر کانادا در پاسخ به این سوال گفت که دولت کانادا همواره به نقض حقوق انسانی در ایران اعتراض کرده و در این موارد نیز این کار را خواهد کرد.

سپس مینا احدی و نازنین افشین جم و نمایندگانی از شش حزب در کانادا در کنفرانس مطبوعاتی از سات ۳ تا ۴ بعد از ظهر حضور یافتند. محل کنفرانس مطبوعاتی با حضور گسترده خبرنگاران همراه بود و سوالات متعددی در مورد نازنین و همچنین سیاست دولت کانادا در کنفرانس مطبوعاتی مطرح شد.

در مجموع دو روز نشست متوالی با نمایندگان پارلمان و حضور در پارلمان کانادا یکبار دیگر توجه های زیادی به سرنوشت نازنین ۱۸ ساله جلب شد.

قرار شد که در روزهای آتی نامه ای به امضا نمایندگان پارلمان کانادا رسانده شود که به حکومت اسلامی دلیل حکم اعدام نازنین اعتراض کرده و خواهان آزادی نازنین شوند.

نیویورک ملاقات با مسئولین سازمان ملل

روز پنجشنبه ۸ ماه ژوئن مینا احدی و نازنین افشین جم با خانم راحل ماینجا معاون اول کوفی عنان و مسئول بخش زنان سازمان ملل ملاقات و مذاکره کردند. در این نشست که یکساعت ادامه داشت، در مورد احکام فزاینده اعدام در ایران و فعالیتهای کمیته علیه اعدام مینا احدی صحبت کرد و خواهان اعتراض بیشتر سازمان ملل به این رفتار وحشیانه شد. همچنین نازنین افشین جم در مورد فعالیتهای کمپین نجات نازنین صحبت کرده و گزارش مفصل این اقدامات را مطرح کرد. در ادامه این برنامه ، مینا احدی و نازنین افشین جم با مسئولین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ملاقات کرده و امضا ۱۷۰۰۰۰ نفر را به این کمیسیون تحویل دادند. قرار شد این امضاها برای مرکز اصلی کمیسیون حقوق بشر به ژنو ارسال شود و همچنین برای اعتراض به حکومت اسلامی و

رساندن این اعتراض به گوش دیگر نهادها اقدام شود.

در پایان ملاقاتی با نمایندگان سازمانهای غیر دولتی در محل سازمان ملل انجام گرفت که در آن مسئول سازمانهای غیر دولتی جینا توری و یک همکار وی حضور داشتند.

در این نشست به تفصیل در مورد کمپین نجات نازنین صحبت شد و همچنین مینا احدی در این نشست در مورد جبهه سوم و فعالیت سازمانهای مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان در این جبهه صحبت کرد و قرار شد متن نامه برای این سازمانها ارسال شود و از آنها درخواست شد که به برای مقابله با یک جنگ ویرانگر و در دفاع از مبارزات مردم در ایران به این جبهه بپیوندند.

در طول چند روز مذاکره و ملاقات با نهادهای مختلف، یکبار دیگر بر اعتراض فوری و جدی و علنی به حکومت اسلامی و همچنین فعالیت برای لغو قطعی حکم اعدام نازنین تاکید شد و برای ادامه کاری این کمپین از تعدادی از این نهادها درخواست کمک مالی به کمپین شد. سفر به نیویورک و کانادا و ملاقات و مذاکره و تشکیل کنفرانس مطبوعاتی، همگی بخشی از یک کمپین گسترده در دفاع از حق حیات و در اعتراض به احکام اعدام در ایران است که باید با قدرت بیشتر به پیش برده شود. ما یکبار دیگر از همگان دعوت میکنیم به پیشبرد این کمپین کمک کنند.



فیلم ماده ی 61 . مستندی از مهوش شیخ الاسلامی

خودم... آ باریکلا... پاشو اون در
را باز کن کارم را بکنم... بلند
شودیگه نفهمیدم چی
شد... روسری را فشار دادم
باز..... محکم و محکم تر... نیم
ساعت... زبونش از دهنش بیرون
افتاده بود.. از چشم هایش خون
بیرون زده بود... *قسمتی از
متن فیلم ، مصاحبه با فاطمه
حقیقت پژوه ، محکوم به
اعدام. متن بالا ، قسمتی از فیلم
مستند ماده 61 ساخته ی مهوش
شیخ الاسلامی است. این فیلم بیننده
را به دنیای زنانی می برد که در
دفاع از خود مرتکب قتل شده اند
و در زندان به سر می برند. ماده
ی 61 زندگی زنان محکوم به
اعدام را از زبان خود زنان بازگو
میکند. متن بالا ، قسمتی از فیلم
مستند ماده 61 ساخته ی مهوش
شیخ الاسلامی است. این فیلم بیننده
را به دنیای زنانی می برد که در
دفاع از خود مرتکب قتل شده اند
و در زندان به سر می برند.

بخوابم... گفتم می کشمت... گفت بکش
ببینم... جون من بکش... وای من
اصلن دوست دارم تو من را
بکشی... مرگ من بیا من را
بکش... نمی دونم روسری اونجا
چیکار می کرد... من که اخه تو
خونه روسری سرم نمی
کردم... روسری را برداشتم... دور
گردنش پیچیدم... فشار دادم... یک کم
که کبود شد ترسیدم... ولش
کردم... نفسی کشید و خندید... گفت
دیدید نمی تونی؟... دیدید اینکاره
نیستی؟... دیدید نمی تونی بکشی
لاشی؟... تو آخه من را دوست داری
لاشی... حالا هم یک لیوان آب بده
حالم جا بیاد... بعد هم در اتاق را باز
کن برم پیشش... قول می دهم نگذارم
کس دیگه بره تو کارش... فقط

دراورد... بیکهو به خودم
اومدم... دویدم کشیدمش از رو بچه
ام کنار... انداختمش گوشه
اتاق... باز بلند شد... بچه ام گوشه
تخت کز کرده بود... باز رفت
طرف دخترم... باز به
زور انداختمش کنار... گفتم من را که
کتک بزنه سراغ بچه ام نمی ره و
می تونه از اتاق بره بیرون
دخترم... اما باز بلند شد... با هزار
زور انداختمش زمین... کشون
کشون از اتاق بردمش بیرون... نمی
گذاشت در را قفل کنم... با هزار
زور بالاخره در اتاق را رو دخترم
قفل کردم... کتک کاری
کردیم... نشست سر بساط... گفت می
زنم خونه را اتیش می زنم... همتون
را می کشم آگه نگذاری با دخترت

نصفه شب بود که صدای جیغ
شنیدم... بلند شدم... فکر کردم صدا
از خیابان است... باز صدا
آمد... امدم تو چارچوب در
ایستادم... صدا از اتاق دیگر خانه
خودمان بود... دخترم چهارده ساله
بود... اما خوب هیکی
بود... و ایستادم تو چارچوب
در اتاق... باورم نمی شد... افتاده بود
رو دخترم... دستش را رو دهن بچه
ام گذاشته بود که جیغ
نزند... صورتش را چنگ زده
بود... صورتش خونی شده بود... من
مات مونده بودم... اصلن هیچ کاری
نمی تونستم بکنم... چشم های بچه ام
کج شده بود... با دستش تقلا می
کرد... دستش که می خورد به بدن
محمد چندشش می شد... دستش
را انداخت... دیگه فقط دستش را
می زد به تخت... چشم های بچه ام
کج خیره مونده بود به من... با چشم
هایش التماس می کرد... من همین
طور سر جایم خشک شده
بودم... سوتین بچه ام را که

زن دیگری در آستانه اعدام

<http://leylaasgarian.blogfa.com/>

لیلا عسگریان

فرزندان او در ایران، با فقر و
نداری و بی تامینی دست به
گریبان هستند.

وکلاي این پرونده ، خواهان لغو
حکم اعدام اعظم شده اند، ولي
دادگاه عالی حکومت ،

حکم را تأیید کرده و برای اجرای
احکام ارسال نموده است.

یعنی اینکه بزودي ممکن است
پرونده زندگی این زن بسته شود.
پرونده زندگی فردی که

**سرگذشت او تا همین امروز سند
محکومیت نظامی است که انسان**

در آن ارزشی ندارد و

**زنان در آن انسانهای درجه دومی
و درجه چندی هستند که جسم و**

جان و روح و روان آنها،

**روزانه زیر بار قوانین و سنتها و
اخلاقیات و بویژه یک حکومت**

ضد زن و ضد انسان له میشود.

فریاد اعظم و فرزندانش را باید
شنید و باید متحدانه به یاری این
خانواده شتافت.

از همگان دعوت میکنیم برای
نجات جان اعظم هر آنچه در توان
دارند، بکار گیرند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

آورد، دیگر برای مریم پایان خط
است. او به یک مرد که بقول
خودش در این مدت به او محبت
زیادی کرده، کمک میکند، همسرش
را به قتل برساند.
این داستان زندگی یک زن است. و
بعد از برملا شدن قتل همسرش،
اعظم در زندان است
و بجرم همکاری در قتل عبدالله
دستگیر و به اعدام محکوم شده
است.

عباس مردی که در این جریان،
عبدالله را به قتل رسانده ، با دادن
پول به خانواده مقتول از

اعدام نجات یافته و اکنون اعظم
فریاد قره شیران، بدلیل نداشتن پول
و بدلیل اینکه خانواده ای
ندارد که از او دفاع کنند، در آستانه
اعدام است.

خرج زندگیشان، راه دیگری نمی
یافته است، از مریم می خواهد و یا
او را مجبور میکنند که به
تن فروشی روی آورد. مریم
افسرده و درمانده و تحت ستم،
مجبور میشود، در بساط عیش و
نوشی
که همسرش در خانه راه می
اندازد، به مشتریها از هر نظر
خدمت کند.

خدمات جنسی بهمراه پذیرایی از
مهمانان همسرش. همه اینها را باز
مریم تحمل میکند،

**تا اینکه نوبت دختر کوچک او
میرسد.**

**دختر ۹ ساله این خانواده، وقتی از
سوی پدر مورد خشونت قرار
گرفته و از او تحت فشار**

خواسته میشود، به تن فروشی رو

اعظم نام یک زن که زندگیش، آنچه
تمام نمای ستم و بی حقوقی زنان
در ایران است.

وقتی پای صحبتش بنشینید، جز غم
و درد و جز نفرت و انزجار چیزی
در وجودتان موج نمی زند.

او که دختر کوچکی بیش نبود، در
حالی که آرزو و امیال فراوانی

داشت، **در سن ۱۵ سالگی مجبور
به یک ازدواج اجباری میشود.**

**کلمه ازدواج اجباری و یا ازدواج
در سنین پائین، برای برخی شاید
کلماتی نا آشنا باشد،**

**برای او تن دادن به تجاوز و پر پر
شدن زندگیش است.**

در طول مدت کوتاهی سه فرزند
حاصل این ازدواج اجباری است و
مریم نیز به صف زنانی می پیوندد
که با تحمل مرارت و با تن دادن به
تحقیر و توهین و تجاوز روزمره
از سوی شوهر، بهر حال برای
ادامه زندگی و سر و سامان دادن به
زندگی فرزندانش خود فداکاری
میکند.

اما از مریم بیش از اینها درخواست
میشود. عبدالله شوهر معتاد او که
برای خرج اعتیاد و تامین



بیاد جان باختگان خرداد شصت و فرمانده قلعه شکستخوردگان منصور تر کاشوند

نسل جوان و بی پروای صحنه ای سیاسی ایران امروز تصویری از قتل عام جوانان هم سن و سالش در سی خرداد هزار و سیصد و شصت ندارد. کشتار یک نسل از کمونیستها و انقلابیون و جعل تاریخ توسط فاتحین و شکست خوردگان، دلایل اصلی این بی تصویری ویا تصویر معوج است.

راویان شکست نخورده و زنده مانده ای این تاریخ، به رغم تلخی، با ید تلاش کنند این بی تصویر، این جعل و فریب در متون آموزشی و بر نامه های سراسری تلویزیونی و رسا نایی را با بیان آنچه رخ داد، آنچه که بود، به تصویری روشن از تاریخ بدل کنند.

در تاریخ واقعی، اگر چه انقلاب 57 از کشتار به روایت اسناد و اسامی، شست و چهار نفر، در میدان ژاله، در هیفده شهریور پنجاه و هفت، بدست اوباش نظا می شاه پیروز بیرون آمد، اما در سی خرداد شصت، با هزاران قتل و اعدام که هنوز آمار وار قاش، مستند منتشر نشده است، در هم کوبیده شد.

پسوند اسم تیرباران شدگان آن روزگار، روی پرونده های دادگاهی مثل، مجاهد، فدائی، پیکاری، رزمندگانی... کومله ای یا اتحاد مبارزانی، فقط بیان می کند که تلاش مردم اهل تغییر برای رفاه آزادی و برابری با قیام و سرنگونی شاه متوقف نشد، ادامه پیدا کرد. مردم اهل تغییر به امید دنیای بهتری در تشکلهایی که حداقل آرمانهایشان زیبا بود، حرفهای قشنگی میزدند، گرد آمده بودند و راه را دنبال می کردند. اینطور نبود که این سازمانها و گروه ها آنها را "فریب داده و به این راه کشیده باشند، نه برعکس، این جان باختگان بودند که متشکل شده و با ساختن این گروه ها و سازمانها و تشکلات می خواستن عمیقتر و رادیکالتر بشوند. اسم کسی را به نام این گروه ها و سازمانها سندنزده بودند، که بر

بسیاری از این گروهها و سازمانها بودند که خود را با نام تیر باران شدگان باز تعریف می کردند واز خون آنها برای خود اعتبار سیاسی می ساختند. بسیاری از تیرباران شدگان ربطی به این پسوندها ندارند، فرا ترند. با گذشت زمان وقتی یاد آنها را، با آرا و تفکر تشکلات باز مانده و وارث آن پسوندها مقایسه می کنیم، این بی ربطی عیا نتر می شود.

تیر باران شدگان، نه به این پسوندها که به همان کمپی تعلق دارند که در آخرین نفسهای حیات فریاد زدند، مگر نه اینکه در آخرین نفس، در آخرین فریاد، در آخرین امکان اعتراض، علت مرگ و اعدام خود را در کمترین زمان و با مو جرت ترین کلمات بیان کردند.

مگر غیره از این است که اعدام شدگان به همان اردو و جبهه ای تعلق دارند که در آخرین پیامشان گفتند و همیشه تاریخ اینگونه پیامها قاطع بل روینند. نه، نباید و نمی شود که اسامی بسیاری از اعدام شدگان را به نام سازمانها و تشکلات سیاسی شان نوشت، حقیقت عمیقتر از این است، این قربانیان جا یگاه رفیعتری دارند، اینها اهالی یک قلعه اند، قلعه شکست خوردگان. همچا و همان قلعه که فرمانده بزرگ، منصور حکمت، آدرش را داد بود.

کافی بود که آزادی بیان و تشکلی که به لطف انقلاب و در هم کوبیده شدن ماشین نظامی سر کوب شاه پیش آمده بود چند وقتی ادامه پیدا می کرد، تا مردم اهل تغییر راه خود، قلعه مشترک خود را بسازند و پیدا کنند. کسی که جان در راه آرمانهای و لای انسانی گذاشت، اگر می ماند بی

شک باز هم به دنبال پیدا کردن آرمان واقعی و واقعیش، کمپ واقعی اهل تغییر را پیدا می کرد. به قلعه شکستخوردگان میامد. علت پیدا شدن سرعت در وحشیگری سر کوبگران، همین بود.

آخرین فریاد باران تیر خوردگان، زنده باد حزب و دسته و گروهشان نبود، همان بود که برایش انقلابی رخ داده بود، برابری، آزادی و رفاه، انقلاب 57، به اعتبار آخرین فریاد قربا نیا نش، انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه بود که با بخون کشیدن و گرفتن باران تیر بروی مدافعینش، بعد از سه سال تلاش برای ادامه و تعمیق، در هم کوبیده شد.

سی خرداد شصت آغاز سر کوب خونین بود، اما پا یا نش نبود. آغاز اعدامهای دست جمعی و اعلام رسمی اسامی تیرباران شدگان در روزنامه های کثیف ضد مردمی بود، اما پایانش نبود. در سه ماه تابستان سال شصت در تهران و هر شهر و شهرستانی، هر روز کشتار اهل تغییر و ناراضیان وضعیت موجود، و طالبین دنیای بهتر به همان شدت ادامه داشت. زندانها پر شده بود و اعدام به جرم طلب آزادی و برابری و رفاه عمومی عادی. سکوت اصلاح طلبان امروزی در این مورد هیچ علتی جزا اینکه آنان نیز شریک این جنایت هستند و آلودگی دستشان در آن خونریزیها پاک نشدن نیست، ندارد. هر کدام از اینها که امروز آزادی و اصلاحات را فریاد می زنند بلاخره خود در به خون کشیدن آزادیخواهان آن ایام دخالت داشته اند، چهر های بخون نشستنگان بسیاری را بیاد می آورند که حتی

از امروز خودشان رادیکالتر بودند. اصلاح طلبان امروز، از سر تو داری و مصلحت کار جامعه نیست که فراموش کار شده و فراموشی را تبلیغ می کنند، نه یاد آوری جنایت و خیانت و اشتباهات همیشه خاطر مر تکبینش را آورده کرده است. پس تکلیف آنکه بخون نشستن، آنکه سالها زندانی و از زندگی محروم شدن چه می شود؟ نه، اگر فرار باشد فراموش کنیم کی به ما تضمین می دهد که دیگران همان جنایت را دوباره تکرار نکنند؟ این تبلیغ نیم حقیقت است. اگر چه در این فراموشی "جانی" به زندگی و جامعه بر می گردد اما، جان باخته هر گز دوباره بر نمی گردد.

روزگار شومی را باید به یاد آورد. ایامی که رفقا و دوستان، چهل، چهل، پنجاه، پنجاه... دستجمعی، شب روزی که دستگیر می شدند، به جرم طلب آزادی و برابری، و عمیقترین اصلاحات و تحولات اجتماعی تیر باران شدند.

اینطور نبود که ملت "انقلاب اسلامی" کرده باشند، این دروغی بود که فاتحین و شکستخوردگان نوشتند و ترویج کردند، نه هزاران هزار انسان، بارها بیش از آن تعداد که در نبرد با شاه کشته شده بودند، تیرباران شدند تا جمهوری اسلامی، جانشین نظام شاهنشاهی شد، تا انقلاب "اسلامی" شد.

عصرهایی که دستجمعی و برای تیرباران، از روی لیست اسم می خواندند و صدا می زدند و درست پشت دیوار ی که نشسته بودی، با لرزش دیوار بعد از عبور گلوله از تن



با اسم جانی و خون آشام جمهوری اسلامی آشنا شوید!

بابک شدیدی

ملت آلوده میباید



آخوند اسماعیل شوشتری: رئیس سازمان زندانها و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ وی بطور مستقیم در تصمیم گیری اعدام زندانیان نقش داشت و به پاس این خدمات رفسنجانی وی را وزیر دادگستری کابینه خود در سال 68 نمود و بعد هم با همین سمت در کابینه خاتمی بود

شوشتری اسماعیل (آخوند) رئیس سازمان زندانها و از اعضای اصلی کمیسیون مرگ در جریان قتل عام سیاه زندانیان در مرداد 1367، وی در کابینه رفسنجانی و خاتمی وزیر دادگستری بوده است.

سوال 53 نماینده از وزیر

دادگستری:

دلایل وضعیت مبهم زندانیان سیاسی

به طور آزاد با مسولان گفت و گو و در مکانهای مورد نظر حضور می یافتند، ایران نیز در این خصوص حسن نیت خود را نشان داده است و هرگونه اطلاعاتی را که این هیات می خواست در اختیار آن گذاشت تا بدون هیچ گو نه محدودیتی به انجام وظیفه خود مشغول شوند. وی با اشاره به اینکه لحن گزارش اعضای هیات حقوق بشر در ایران با بیانیته صادر شده بسیار متفاوت است، گفت: این هیات وقتی از بخش های مختلف از جمله زندان اوین بازدید کردند، نظر مثبتی در مورد اوضاع زندان داشتند و هیچ گونه ابهامی برایشان بوجود نیامد اما متأسفانه وقتی به کشورهای خود بازمی گردند، لحن گزارش های آنها تغییر می کند. شوشتری گفت: امروز حقوق بشر در دنیا يك پدیده سیاسی شده است و اگر می خواهند بر علیه کشوری کودتا کنند حقوق بشر آن کشور را پیش می کشند این همه در دنیا نقض حقوق بشر صورت می گیرد اما فقط ایران را محکوم می کنند.



53 نماینده مجلس با طرح سؤالی از وزیر دادگستری خواستار توضیح در مورد دلایل ابهام در وضعیت زندانی های سیاسی شدند. در سوال نمایندگان از «اسماعیل شوشتری» ضمن ابراز نگرانی از اخبار منتشره در خصوص وضعیت زندانیان سیاسی آمده است: برخی از این اخبار که به لحاظ انسانی غیرقابل تصور است، اگر صحت داشته باشد با اصول متعددی از قانون اساسی در تعارض است. ??????????????????

تهران-خبرگزاری کار ایران. وزیر دادگستری گفت: حقوق بشر در ایران به طور کامل رعایت می شود و متأسفانه کمیسیون های حقوق بشر با دید سیاسی به آن می نگرند. به گزارش خبرنگار "ایلنا"، اسماعیل شوشتری در يك کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به سوال خبرنگار "ایلنا"، در خصوص بیانیته هیات حقوق بشر اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، گفت: حقوق بشر در تمام دنیا مطرح است و نمایندگان حقوق بشری که وارد ایران می شوند، به

هرگاه که اسم جمهوری اسلامی بمیان میاید، چند مشخصه بعنوان صفتهای تکان دهنده این نظام و عناصری بعنوان نمادهای مجسم این رژیم بدنبال آن بر اذهان متبادر میگردد مثل: قتل، اعدام، شکنجه، قطع دست و پا، سنگسار، فساد، فحشا، اعتیاد گسترده و قتل عام جمعی روشنفکران و دگراندیشان چون قتلهای زنجیره ای، کشتار زنان بخت برگشته، خیابانی در مشهد و کرمان و تهران و... بعنوان قربانیان این رژیم، مزایده دخترکان و زنان در کشورهای آنسوی خلیج فارس، توسط ملایان، دزدیها و غارتگریهای چند صد میلیارد دلاری توسط اقاها و آقازاده ها، حمایت بی چون و چرا از تروریسم جهانی دراقصی نقاط جهان بعنوان بانك مرکزی تروریسم و مزرعه رشد تروریسم انتحاری و... همه و همه از خصیبه های رژیمی است که بیست و هفت سال است سایه شومش بر آسمان ایران سایه افکنده و در طی این مدت هیچ ارمغانی جز جنایت و خیانت و خونریزی و چپاولگری را همراه نداشته است. اسم فردي که ذیلا ملاحظه میکنید، بخش بسیار کوچکی از عناصر باندمافیائی جمهوری اسلامی است که دستش تا مرفق به خون این

کمک مالی به

کمیته بین المللی علیه اعدام

برای نجات جان فاطمه و صدها زندگی دیگر!

شماره حساب برای پرداخت کمک مالی

Sweden

Plusgirokonto : 412085-3

SE81 9500 0099 6042 0412 0853

از صفحه ۸

نازنین رفیقت ، مرگ را حس می کردی / فریاد آخر و با تمام قوای انسانی که ، نازنینش را حس کرده بودی ، همان موقع که ما مور مرگ صدایش می کرد / ارث و میراثی که رفیق رفته برایت گذاشته بود / روزهای سخت زندان ، فشار ، تعزیر ، با زجوبهای پی در پی همانموقع که به دلیل جوانی نمی فهمیدی که این همه فشار و جنایت برای چیست ؟ را در این ایام دوبار باید که بیاد آورد .

جوانان در آن سالها همانقدر بی پروا و از کشتار و سرکوب خونین ، به جرم طلب آزادی و برابری بی تصویر بودند که امروز جوانان و نسل جدید هستند . واقعیت این سرکوب را ، در زندانها با شکنجه ها با تیر بارانهای جمعی با آخرین فریاد های نازنین ترین جوانان و مبارزان ، با سفر های زندانیان که هم زمان با اجرائی تیر باران ، برای صرف غذا پهن شده بودند اما ساعتها

دستخورده پهن مانده بودند ، با سکوت چند روزه ی بعد از کشتار جمعی ، بین باقی اسرا ، با جنایت و قتل و خون ، به جامعه و مبارزان و جوانان ان سا لها را تحمیل کردند .

آن موقع "راست" دست با لا داشت ، مثل حا لا نبود . اگر امروز تیر خلاص زن در قدرت و ریاست است ، اما نمی تواند از خون جوانان و مبارزان معترض برای سرکوب جنبش سرنگونی و بقاء جمهوری آدمکشی ملات بسازد ، فقط برای آن است که دیگر دست بالا ندارند . و فشار این پایین زیادتر از ان است که بتوانند همان جنایات را تکرار کنند . دیگر کمتر کسی پیدا می شود که امروز بکشد به امید آنکه فردا اصلاح طلب شود .

بسیاری از تشکلات و سازمانهای چپ و راست آن زمان به رغم آنکه "اعدام" نشدند ، منهدم شدن ، رهبران شان زنده در رفتن ، دیگر یا نیستند و یا حرف دیگری می زنند . اما آنچه اعدام شدگان در آخرین امکان بیان گفتند ، به رغم آنکه دیگر نیستند ، هنوز هم

به قوت خود باقی است . بخشی از تاریخ واقعی آن دوران همین است . الصاق تیر باران شدگان به گروه و دسته هایی که در نهایت ، اکثرشان تغییر ریل دادند ، کار جا نیان اسلامی بود ، کار اوباش قوه قضایی نظام اسلامی بود ، واقعیت این بود که تیرباران شدگان آن دوران مثل باقی قربا نیان انقلابات شکست خورده ، برای تعمیق و رادیکالیسم بیشتر انقلاب جان باختن .

به گورهای دستجمعی و بی نشان سپرده شدن تا در غیاب فریب فراموش شوند ، اما نه گور بی نشان و جمعی ونه فریبها و دروغها ، ونه هیچ چیز دیگری باعث فراموشی آخرین فریادشان نشد ، اهل تغییر امروز هم همانند و همان را فریاد می زنند ، الا اینکه بسیار عمیقتر شده اند ، به همت و لطف منصور حکمت می دانند که دیگر حقیقت چیست و راه کدامست . دیگر در منگی اهل تغییر و لتر پاسداری رشد نخواهد کرد .

یاد و خاطره ای این عزیزان را فقط با برقراری یک دنیای بهتر و حصول و تحقق آخرین فریاد و در خواستشان می توان و باید که گرامی داشت .

زنده باد یاد همه

**انسانهای جان باخته ای راه
برابری آزادی و رفاه**

**بیست و پنج سال بعد ، سی
خرداد هشتاد و پنج
منصور تر کاشوند**



به گزارش خبرگزاری دولتی ایران، روز دوشنبه، سه نفر به نامهای ساجی محمدی، علی شهبواری و حسن برچلو در محوطه زندان قزوین حلق آویز شدند

**اجرائی حکم اعدام سه زندانی
در کرمان- 85.03.25:**

دستگاه قضایی رژیم اسلامی در ادامه سیاست جنایتکارانه صدور و اجرای حکم اعدام سه نفر دیگر را در شهر کرمان و در ملا عام اعدام نمود. احسان، محمدحسین و علیرضا سه جوانی بودند که صبح روز سه شنبه 23 خرداد ماه در میدان "خواجه کرمانی" شهر کرمان در ملاعام به دار آویخته شدند. اتهام این افراد آدم ربایی اعلام شده است



آخرین اخبار اعدام در ایران

بابک شدیدی

5 خردادماه، سه جوان بنامهای "مهران، علی و علیرضا" در محوطه زندان اوین بدار آویخته شدند. اتهام این افراد، قتل عنوان شده است

**دستگاه قضایی يك جوان را در
بندرعباس به دار آویخت-.**

85.03.18:

دستگاه قضایی يك جوان را در بندرعباس در ملا عام بدار آویخت و حکم اعدام جوانی را در تهران صادر کرد. جوانی که در بندرعباس بدار آویخته شد، "غلامعباس حیدری پور" نام داشت. در تهران نیز حکم اعدام جوانی به نام رضا صادر شد.

**سه نفر در قزوین بدار آویخته
شدند- 85.03.25:**

به نامهای مسعود نارویی و عبدالواحد ن. در زاهدان و يك زندانی دیگر به نام مجید سگوند در خرم آباد در ملاعام حلق آویز شدند.

**يك متهم به قتل در خرم آباد به
دار آویخته شد. 85.03.06:**

بنابر خبر منتشره در روزنامه حکومتی جمهوری، يك متهم بقتل بنام "مجید سگوند" با اتهام قتل دوست خود بنام "فرمان حسین پور" در تیرماه سال 83 در خرم آباد در ملاعام اعدام شد.

**سه نفر را در زندان اوین که دو
نفر از آنها 18 سال سن داشتند**

به دار آویخته

شدند. 85.03.16:

بنابر خبر منتشره در روزنامه همشهری، روز

**مرد ایرانی به جهت بچه دزدی و
دزدی مسلحانه حلق آویز شد.**

خبرگزاری ایسنا روز شنبه گزارش کرد، يك مرد ایرانی به جهت بچه دزدی و دزدی مسلحانه در استان سیستان بلوچستان حلق آویز شده است. این مرد، که به عنوان ن عبدالواحد شناسایی شده است... در زاهدان استان سیستان بلوچستان اعدام شده است. بر طبق محاسبات مبنی بر گزارشات مطبوعاتی و شاهدان عینی به خبرگزاری فرانسه این اعدام شمار اعدام شدگان در ایران را در سال 2006 تا کنون حداقل به 47 تن میرساند.

اعدام 5 زندانی در شهرهای

زاهدان، خرم

آباد، خراسان. 85.03.05:

به گزارش رسانه های حکومتی دستگاه قوه قضائیه جمهوری اسلامی 5 زندانی را در استانهای سیستان و بلوچستان، لرستان و خراسان به دار آویخت. دو زندانی